

خلود در قرآن و روایات و سنجش نظر ابن عربی و ملاصدرا

مصطفی نژادپور

چکیده

در این پژوهش تلاش بر این بوده که دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که هر کدام تابع مکاتب فکری خاص بودند، بدیهی است که نتایج به دست آمده با یکدیگر متفاوت باشد. اما به دلیل اینکه دلایلشان در باب مسئله خلود بعضاً دچار اشکال و نارسایی بوده، خلود در قرآن و روایت نیز بررسی شد. در نتیجه خلود از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا با خلود در قرآن در قرآن و روایت با یکدیگر متفاوت بود. به طوری که در برخی موارد چنانکه در بخش خلود از دیدگاه قرآن و روایات ذکر شده پاره ای از دیدگاه های ایشان در تضاد کامل با نصح آیات قرآن و روایات می باشد. بنابراین، ضعف در روش های تفسیری عرفانی و عقلی باعث شده است که خلود از دیدگاه قرآن و روایات مورد توجه قرار گیرد، زیرا مبین و نشان دهنده ی حقیقت واقعی خلود، به دور از هرگونه تفسیر ناروایی می باشد.

واژه‌های کلیدی: خلود، عذاب، جهنم، ابن عربی، ملاصدرا.

مقدمه و طرح مسئله

سوال اینکه آیا گناهکاران و یا برخی از گناهکاران در جهنم جاودانه هستند؟ یکی از مهم ترین مباحث مطرحه در میان عرفا و فلاسفه بوده است. در این میان ابن عربی و ملاصدرا به صورت مبسوط به این مبحث پرداخته و ادله هایی را، البته متناسب با مبانی فکری خود اقامه کرده اند. از آنجا که سابقه طرح این مسئله از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا مد نظر است اما اهمیت آن را می توان از زمان نزول قرآن دانست. چنانکه به وفور در نص آیات قرآن به صراحت صحبت به میان آمده است. در این نوشتار سعی خواهد شد نظرات ابن عربی و ملاصدرا ارائه داده و هر یک از آنها نقد و بررسی شود. هر کدام از ایشان در کتاب های خود نظیر ابن عربی، در کتاب فتوحات مکیه و رحمه من الرحمن و همچنین، ملاصدرا در کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الأربعة به تفصیل پیرامون این مسئله سخن به میان آورده اند. سپس خلود از دیدگاه قرآن و روایات با شفافیت توضیح داده خواهد شد.

آنچه که در این پژوهش مد نظر خواهد بود این است که بهترین نتیجه در جهت روشن شدن این مسئله ارائه شود، زیرا از نظر نگارنده روش هایی که ابن عربی و ملاصدرا برای تبیین این مسئله بیان می کنند هرگز اصل نخواهد بود و نص صریح قرآن و روایت بیانگر حقیقت واقعی خلود خواهد بود.

خلود از دیدگاه ابن عربی

در بررسی مسئله خلود، نظرات ابن عربی مورد توجه قرار گرفته شده است. پیش از آنچه مسئله خلود را از دیدگاه ابن عربی توضیح داده شود، باید نکاتی را ارائه داد؛ زیرا چنانکه این نکات ارائه نگردد مقصود به خوبی روشن نمی گردد. در بحث خلود از دیدگاه ابن عربی اساسا با توجه به مبانی فکری که دارد خلود را به معنای جاودانگی که منظور حضور همیشگی در عذاب است از آیات قرآن کریم استنباط نکرده اند. این نیز به روش ها و اصولی است که در حین تأویل آیات خلود به آن پایبند است و در واقع تمامی این تأویلات حول این تفکرات است.

حال با توجه به نکته مذکور نتایجی که ابن عربی از آن به دست داده اند در یک نکته کلی می توان به انقطاع عذاب از ظاهر آیات قرآن اشاره کرد. چیزی که ابن عربی به آن معتقد است این است که نصی بر جاودانگی عذاب وجود ندارد و بدین جهت سعی دارد عدم خلود در عذاب را با مبانی فکری خود همراه سازد، که در ادامه دلایل وی را از نظر خواهید گذراند.

پس در یک نگاه کلی خلود در عذاب، ناظر بر تأویلات ابن عربی مبتنی بر عدم عذاب است، اما عذابی که ملازم با درد و رنج نیست. چنانکه وقتی تأویلات وی ذیل هر کدام از آیات خلود بررسی می شود تأویل

خاصی از آن آیات را بیان می دارد. وی شواهدی را ذکر می کند که عذاب دائمی را مطلقاً نفی می کند، یا در برخی موارد جدای از اینکه خلود در عذاب را نفی می کند، اهل مخلد در آتش را نیز برخوردار از تنعم می داند. به عنوان مثال وی حتی برای مشرکانی که برای خداوند شریک قائل هستند نیز نوعی تنعم مفروض می داند. وی برای تأویل این آیات، اغلب دلایل او از روایت های منصوب به پیامبر (ص) مدد جسته است.

برای روشن شدن هر چه بهتر موضوع، تأویلات ابن عربی را با توجه به نوع آیات خلود که ذیل هر آیه به آن پرداخته است، به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. آیاتی که دلالت بر خلود در جهنم یا آتش دارد اما وی با انفکاک میان خلود در جهنم یا آتش و خلود در عذاب، نتیجه آن را انقطاع عذاب می داند.

۲. آیاتی که به صراحت بر عدم خروج یا عدم تخفیف عذاب اظهار می دارد اما وی تأویلی بر عدم خروج از جهنم که همراه با لذت و خوشی است را نتیجه می گیرد.

اما با این حال، تأویلات ابن عربی با هم یکسان نیست و در برخی موارد چنانچه در گذشته بیان شد با هم تفاوت دارند و هر یک تأویلات خاص خود را دارند. اینک برخی از دلایل ابن عربی را از نظر خواهیم گذراند.

از دلایلی که ابن عربی خلود در عذاب را مساوی با درد و رنج نمی داند اشاره به ملائکه ای دارد که در جهنم حضور دارند. به این جهت که آنان نیز همچنان اهل جهنم در یک مکان قرار دارند، پس در رنج و عذاب نیستند. به عبارت دیگر، هنگامی که فرشتگان در میان آتش حضور دارند و دچار رنج و عذاب نمی شوند. به زعم ابن عربی نتیجه چنین است که اهل جهنم نیز مخلد در عذاب نخواهند بود. بنابراین از دو مقدم، حضور فرشتگان در جهنم و دیگری، حضور فرشتگان در کنار اهل جهنم به ملازم نبودن درد و رنج منتج خواهد شد. (ابن عربی، ۱۹۸۹: ۱۵۳/۱)

از دلایل دیگر ابن عربی بر ادعای خود، استناد ایشان به حدیث پیامبر (ص) می باشد که می فرمایند: «أما أهل النار الذين هم أهلها فإنهم لا يموتون فيها ولا يحيون» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۶۰) ابن عربی از این حدیث چنین نتیجه می گیرد که از جانب خداوند به ایشان رحمتی نازل می شود و باعث خواهد شد بسان حالتی باشد که به خواب فرو رفته باشند. بنابراین اهل جهنم تا زمانی که بر این حالت توقف دارند، نه می میرند و نه زنده می شوند. پس اهل جهنم در لذت به سر می برند که این لذت و تنعم، به تعبیر ابن عربی رحمت خداوند است. با توجه به این رویکرد خلود در آتش، خلود در عذاب نیست که اصحاب آتش را در رنج و سختی قرار دهد. (ابن عربی، ۱۹۷۷: ۲۹۰/۱)

همچنین از دلایل ابن عربی در انقطاع عذاب اصحاب جاودانه ی آتش اشاره وی به آیه ای از قرآن و روایتی از پیامبر (ص) است که می فرمایند: «و لم يبق إلا الذين هم أهلها» و همچنین آیه شریفه ۳۹ سوره بقره که

می فرمایند: «اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون». وی با نظر به دو کلمه «اصحاب» و «اهل» در این آیه شریفه و روایت مدعی است برای فرد، دوری از وطن شدیدترین عذاب است، زیرا وی به آن انس گرفته است و اگر فرد مخلد در آتش را از جایگاه خود جدا شود، در اثر این جدایی که به آن انس گرفته، به عذاب و ناراحتی دچار خواهد شد. بنابراین خداوند آنها را به گونه ای خلق کرده، که اولاً با جایگاهی که در آن هستند انس دارند و دوم آن که این جایگاه انس گرفته به آن، وطن آنها خواهد بود. پس جاودانه بودن آنها در دوزخ باعث ناراحتی آنها نیست، بلکه برای آنها مایه شادی و لذت خواهد بود. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۳۵۳/۹)

خلود از دیدگاه ملاصدرا

در بررسی دیدگاه ملاصدرا در قبال مسئله خلود باید گفت که وی خلود را به مثابه دائمی بودن عذاب می داند. اما فطرت ثانی را بر خلاف مخالفان خلود، ملائم بالطبع نمی داند. در واقع به خلود با نوعی عذاب معتقد است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

باید توجه داشت ملاصدرا و مخالفان مسئله خلود، هر دو به عوض شدن طبیعت فرد و به وجود آمدن فطرت دیگری [ثانوی] قائل هستند. در حالی که مخالفان از این نظریه، قطع شدن عذاب نتیجه گرفته اند ولی ملاصدرا به خلود در عذاب معتقد هستند. به تعبیر دیگر ملاصدرا و مخالفان به عوض شدن طبیعت معتقد هستند اما مخالفان گویند که عذاب به لذت تبدیل می شود و ملاصدرا بر خلاف مخالفان، به این موضوع اعتقاد ندارد؛ یعنی فرد مخلد در آتش حتی با تغییر طبیعت، به عذاب معذب خواهد شد. (همو، ۱۹۸۱: ۳۴۸/۹)

بنابراین، وجه تمایز ملاصدرا و مخالفان، نتیجه ای است که هر یک از نظریه تغییر سرشت (عوض شدن طبیعت) به دست داده اند.

اما برای آشنایی هر چه بهتر با دیدگاه ملاصدرا لازم است وجوه افتراق دیدگاه وی با مخالفان خلود روشن شود. پیشتر گفته شد این دو گروه به عوض شدن طبیعت معتقد هستند ولی ملاصدرا معنایی جدا از معنایی می داند که مخالفان به آن قائل هستند. بدین ترتیب مخالفان عرضه می دارند انسانی که در اثر گناه از فطرت اول خود خارج می شود، به فطرت دیگری وارد خواهد شد. زیرا در اثر تکرار گناه از فطرت اول خود زاویه گرفته و ملکه نفس او شده و این گناه و فاصله گرفتن، فطرت دیگری [ثانوی] را برای او رقم می زند. حال نتیجه دلیل مخالفان در این قسمت مشخص خواهد شد که می گویند این اعمال، مناسب و لازمه طبع آن شده است. بنابراین، انسانی که به آن چه ملائم طبع اوست، دچار عذاب نمی شود بلکه باعث لذت او نیز خواهد شد. در نتیجه عذاب های اخروی چنان که ابن عربی معتقد است ملازم با درد و رنج نیست.

نظر ملاصدرا دیدگاهی بر خلاف دیدگاه مخالفان است. به بیان ساده وی به تغییر طبیعت با حفظ هویت شخصی معتقد است. وی می گوید، وجود شخصی هر انسانی، ثابت و واحد است، چنانکه این واحد بودن شخص چه در مراتب جسمانی و چه در مراتب عالی مجرد حفظ و هیچ گاه تغییر نخواهد کرد. پس هویت شخصی هر انسانی در همه مراتب، هویت متحد و یکپارچه ای است که به یک وجود بر می گردد. بنابراین تغییر هویت که به موجب آن هویت دیگری را برای انسان پدید آورد، غیر ممکن است. (همو، ۱۳۸۱: ۹۷/۹)

ملاصدرا از مقدمه مذکور، نتایج دیگری را نیز اثبات کرده که لازمه ی آن را حفظ و عدم تغییر هویت شخصی انسان دانسته است؛ مانند حرکت جوهری.

وی اظهار می دارد که نفس انسان دارای مقامات و نشئات گوناگون است که این نشئات هم از سنخ عالم مجرد و هم عالم ماده است که با حرکت جوهری می تواند ارتقا یابد. پس در حرکت جوهری نفس از مرتبه مادی به منتها مرتبه ی مجرد با تغییر هویت شخص همراه خواهد شد و آن چیزی که دچار تغییر می شود در واقع هویتی است که در ابتدا مادی و بعداً از آن به مرتبه عالی از مجرد می رسد. ولی اگر هویت شخصی انسان از بین برود، مراتب و مقامات هم بی معنا خواهد بود. بنابراین ملاصدرا به شرطی به حرکت جوهری و تبدیل مراتب نفسانی معتقد است که در همه مراتب، هویت شخصی انسان ثابت و بدون تغییر باقی بماند. (همو، ۱۳۸۱: ۳۹۳/۸)

در نتیجه از دیدگاه وی، آنچه که ثابت و به حال خود باقی است هویت شخصی واحد انسان هاست و آنچه که جلوه متفاوتی در آخرت پیدا می کند آن نفس باطنی انسانی است. بنابر این بیان عذاب در آخرت ملائم طبع و به اقتضای فطرت هیچ کس نبوده و پیوسته در عذاب دائم خواهد ماند.

همان طور که از نظر گذشت تفاوت دو دیدگاه به خوبی روشن شد که مخالفان خلود در عذاب را ملائم با درد و رنج نمی دانند اما ملاصدرا معتقد است با عوض شدن طبیعت [مشروط به هویت شخصی] عذاب سر جای خود باقی است.

در ادامه این نکته باید متذکر شد که ملاصدرا قائل به عدم خروج کفار از جهنم است. چنانکه در سابق نیز گفته شد کسی که در اثر گناه فطرت اول او از بین رفته و فطرت ثانوی بر او مترتب گشته، چنین کسی در عذاب خالد خواهد بود و دائم در آن خواهد ماند.

جناب ملاصدرا در کتاب عرشیه اظهار می دارد که عذاب به عذب باطل و التذاذ کفار در جهنم امری ناممکن است. بنابر این بیان وی به نوعی از خلود معتقد است که از آن به عنوان خلود نوعی یاد می شود.

«خلود نوعی به معنای آن است که کفار متناسب با جرم خود متحمل عذاب می شوند و از جهنم خارج می گردند؛ اما برای اینکه عذاب خلد صدق کند، کفار دیگری جای آنها را می گیرند.»

بنابراین با تعریف مذکور، ایشان به انقطاع عذاب همچنان پایبند هستند. توضیح اینکه ملاصدرا تا قبل از دیدگاه خود در کتاب عرشیه در کتب قبلی خود، انقطاع عذاب و عدم عذاب به درد و رنج را پذیرفته و اهل خلود بعد از تحمل عذاب موقت به غایات حقیقی خود رسیده، پس در لذت خواهند بود. (مطیع، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴)

خلود از دیدگاه قرآن و حدیث

در این بخش نگارنده بر آن است که دیدگاه های عرفا و فلاسفه را با توجه به نص صریح آیات قرآن و حدیث را تبیین و شرح نماید. همانطور که قبلاً گفته شد ابن عربی معتقد است که نصی بر جاودانگی عذاب وجود ندارد و سعی کرده میان عدم خلود در عذاب و مبانی فکری خود هماهنگی ایجاد کند (ابن عربی، ۱۹۷۷: ۲۵۷/۱ _ ۴۷۴/۵)، اما با توجه به بررسی های انجام شده از آیات خلود و غالب روایات مربوط به آیات خلود خلاف این را ثابت می کند.

بنابراین، شالوده دیدگاه ابن عربی عدم خلود است. تأویلاتی که حتی با وجود خلود در عذاب، عذاب را ملازم درد و رنج نمی داند. که این دیدگاه به روشنی با روایات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام در تضاد است. برای روشن شدن دوگانگی میان دیدگاه ابن عربی مبتنی بر ملازم نبودن درد و رنج با عذاب و روایاتی که مفهوم سختی عذاب در آتش را می رسانند، در ادامه این روایات را خواهید خواند. در ضمن روایتی نسبتاً طولانی از امام صادق (ع) عبارت «نه زنده می مانند و نه می میرند» را واضح و روشن توضیح می دهند. در روایت چنین آمده که:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ الرَّزْقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ لِلنَّارِ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ فِرْعَوْنُ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الْمُشْرِكُونَ وَ الْكَافَرُ مِمَّنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ طَرَفَةَ عَيْنٍ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمَيَّةَ هُوَ لَهُمْ خَاصَّةٌ لَا يَزَاحِمُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ وَ هُوَ بَابٌ لَظَى وَ هُوَ بَابٌ سَقَرٌ وَ هُوَ بَابُ الْهَلاوِيَةِ تَهْوِي بِهِمْ سَبْعِينَ خَرِيفًا وَ كَلَّمَا هَوَى بِهِمْ سَبْعِينَ خَرِيفًا فَارَ بِهِمْ قَوْرَةً قَذَفَ بِهِمْ فِي أَعْلَاهَا سَبْعِينَ خَرِيفًا ثُمَّ تَهْوَى بِهِمْ كَذَلِكَ سَبْعِينَ خَرِيفًا فَلَا يَزَالُونَ هَكَذَا أَبَدًا خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ مُبْغِضُونَا وَ مُحَارِبُونَا وَ خَاذِلُونَا وَ إِنَّهُ لَأَعْظَمُ الْأَبْوَابِ وَ أَشَدُّهَا حَرًّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضِيلِ الرَّزْقِيُّ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْبَابُ الَّذِي ذَكَرْتَ عَنْ أَبِيكَ عَنْ جَدِّكَ ع أَنَّهُ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمَيَّةَ يَدْخُلُهُ مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ عَلَى الشَّرْكِ أَوْ مَنْ أَدْرَكَ مِنْهُمْ الْإِسْلَامُ فَقَالَ لَا أَمَّ لَكَ أَلَمْ تَسْمَعْهُ يَقُولُ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الْمُشْرِكُونَ وَ الْكَافَرُ فَهَذَا الْبَابُ يَدْخُلُ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ وَ كُلُّ كَافِرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ وَ هَذَا الْبَابُ الْآخَرُ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمَيَّةَ لِأَنَّهُ هُوَ لِأَبِي سَفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ آلِ مَرْوَانَ خَاصَّةٌ يَدْخُلُونَ مِنْ ذَلِكَ الْبَابِ فَتَحْطِمُهُمُ النَّارُ حَطْمًا لَا تَسْمَعُ لَهُمْ فِيهَا وَاعِيَةً وَ لَا يَحْيُونَ فِيهَا وَ لَا يَمُوتُونَ. (زمر/۷۲، ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۶۱/۲ _ ۳۶۲)

از ادعاهای ابن عربی این است که که فرد مخلد در آتش، آنجا را جایگاه او یا به عبارت دیگر وطن او می داند. که این ادعایی بی اساس و غیرقابل باور است. در جواب ادعای ابن عربی چنان که جناب ملاصدرا گفته اند می توان گفت که «مفارقت از موطن، شدید عذاب است را قبول نداریم مگر این که مفارقت از وطن طبیعی باشد و حال آنکه جهنم موطن طبیعی هیچ کس نیست، زیرا بالعرض آفریده شده است و غایت حقیقی انسان، قرار گرفتن در آن نیست.»

علامه طباطبایی معتقد است که به جهنم رفتن اینان براساس تبع آن هاست یعنی به جهنم رفتن آنها به اختیار و اراده خود آنهاست زیرا آنها از فرمان خداوند سر پیچی کرده اند. بنابراین، جهنم را برای خود مهیا کرده اند و اینگونه نیست که از ابتدا جایگاه ایشان در جهنم باشد بلکه خود با نافرمانی از خداوند باعث حضور در جهنم شده اند.

در رد ادعای ابن عربی مبنی بر انقطاع عذاب و اینکه برخی را برخوردار از تنعم می داند، روایاتی هستند که به صراحت بر عذاب آور بودن آتش جهنم دلالت دارد و جهنمیان را از هر نوع لذت و راحتی محروم می کند و در جایی خداوند به کفار وعده عذاب الهی را وعده می دهد.

ناگزیر باید گفت در برخی از روایات زبان وصف دوزخ و عذاب در آنها به قدری تند و رعب آور است، بعید به نظر می رسد که فرد مخلد در آتش یا به تعبیر ابن عربی مخلد در جهنم، برخوردار از نوعی التذاذ باشد؛ زیرا به فرموده ائمه معصومین علیهم السلام آنان در جهنم لحظه ای به حال خود رها نخواهند گشت، در ادامه یک نمونه از این روایات را از نظر خواهید گذراند.

روی عن النبی ص فی قوله تَلَفَحَ وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُوتِ قَالَ تَتَقَلَّصُ شَفْتَهُ الْعَلِیَا حَتَّى تَبْلُغَ وَسْطَ رَأْسِهِ وَ تَسْتَرْخِي شَفْتَهُ السُّفْلَى حَتَّى تُضْرِبَ سَرْتَهُ. (مومنون/ ۱۰۳ - ۱۰۴، ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۶/۱۰)

با بررسی و مطالعه روایات و ادله هایی که گذشت معلوم شد، آن جایی که ابن عربی مدعی است که فرد حتی با خلود در جهنم دچار عذاب نخواهد شد و انقطاع عذاب را نتیجه گرفته یا در جایی معتقد است که بر فرض عدم خروج از جهنم، عذاب برای جهنمیان به لذت تبدیل می شود، بی اساس و غیر قابل توجیه است؛ زیرا روایات چنانکه پیشتر گفته شد در تضاد کامل با آرای ابن عربی است. در ادامه روایتی در باب خلود در جهنم همراه با عذاب خواهد آمد که به فرموده ائمه معصومین علیهم السلام، خداوند عذاب و خلود در جهنم را به برخی از گناهکاران وعده داده است.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي أَخَالِطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجَبِي مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَلَّوْنَكُمْ وَ يَتَوَلَّوْنَ فَلَانًا وَ فَلَانًا لَهُمْ أَمَانَةٌ وَ صِدْقٌ وَ وَفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوَفَاءُ وَ الصِّدْقُ قَالَ فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع

جَالِسًا فَأَقْبَلَ عَلَى كَالْغَضْبَانِ ثُمَّ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عَتَبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قُلْتُ لَا دِينَ لَأَوْلَيْكَ وَلَا عَتَبَ عَلَى هَؤُلَاءِ قَالَ نَعَمْ لَا دِينَ لَأَوْلَيْكَ وَلَا عَتَبَ عَلَى هَؤُلَاءِ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَعْنِي مَن ظَلَمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَالْمَغْفِرَةُ لَوَلَّيْتَهُمْ كُلَّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَقَالَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِهِمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَرَجُوا بِوَلَّيْتِهِمْ إِيَّاهُ مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَأَوْلَيْكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (بقره/۲۵۷، کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۷۵-۳۷۶)

در بررسی دیدگاه ملاصدرا می توان چنین گفت که دیدگاه وی با دیدگاه قرآن و حدیث تناسب بیشتری تا نسبت به دیدگاه ابن عربی دارد. ملاصدرا معتقد است تنها گروه خاصی از گناهکاران خالد در جهنم هستند و آن نیز کفار هستند؛ در حالی که روایات نیز به خلود این افراد خبر داده اند. پس ملاصدرا نیز همچون آیات خلود که خلود را به کفار اختصاص داده و آن را امری مسلم می داند.

اما یکی از مهم ترین نکته پیرامون مسئله خلود این است که آیا کسانی می توانند از جهنم خارج شوند و یا اینکه نظریه خلود را باید به صورت مطلق بپذیریم؟ در جواب باید گفت این بعد از نظریه خلود یعنی خارج شدن برخی از جهنم که ابن عربی به آن پایبند است می توان پذیرفت. چنانکه در برخی از روایات آمده است که افرادی با توجه به شرایطی از جمله توبه و... از جهنم خارج شده و وارد بهشت خواهند شد و صراحت بیان روایات گویای این حقیقت است. بنابراین، با این بعد از مسئله خلود می توان با ابن عربی هم رأی شد. ابن عربی این خروج را براساس رحمت الهی عملی می داند و معتقد است که غضب خداوند آمیخته به رحمت الهی است. همچنین این نکته در روایات نیز به چشم می خورد که لازمه ی خروج از جهنم، لطف و رحمت خداوند است.

الطبرسی فی (مجمع البیان)، فی قوله: كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ - إِلَى قوله تعالى - إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا قيل: نزلت الآيات في رجل من الأنصار يقال له: الحارث بن سويد بن الصامت، و كان قتل المجذر بن زياد البلوي غدرا و هرب، و ارتد عن الإسلام، و لحق بمكة، ثم ندم فأرسل إلى قومه أن يسألوا رسول الله (صلى الله عليه و آله) هل لي من توبة؟ فسألوا، فنزلت الآيات إلى قوله: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا فحملها إليه رجل من قومه، فقال: إني لأعلم أنك لصدوق، و أن رسول الله (صلى الله عليه و آله) أصدق منك، و أن الله تعالى أصدق الثلاثة. و رجع إلى المدينة، و تاب و حسن إسلامه. قال الطبرسي: و هو المروى عن أبي عبد الله (عليه السلام). (آل عمران/۸۸، بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/۶۵۲)

بنابراین، آنچه که از مسئله خلود می توان نتیجه گرفت این است که خلود مختص کافران و مشرکان است و همچنین کسانی که با خاندان پیامبر بزرگ اسلام (ص) دشمن هستند. بنابر روایات چنین افرادی

جایگاهشان آتش است و جاودانه در آن خواهند ماند. اما کسانی که حکم به خروج آنها داده شده است، این افراد در یک برهه نسبتاً طولانی و بعد از تحمل عذاب به میزان لازم مشمول رحمت الهی شده و وارد بهشت خواهند شد. منتها درجات آنها در بهشت با یکدیگر متفاوت است و با شأن و رتبه آنها متناسب خواهد بود. با توجه به مطالب گذشته، می توان نتیجه گرفت که خلود در بین مفسرین هم به معنای مطلق یعنی ابدیت و سرمدیت می باشد، هم به معنای مکث طولانی است. روایات نسبتاً زیادی در این موضوع وجود دارد که نمونه ای در این نوشتار آمده است.

النَّضْرُ بْنُ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّهُ بَلَّغَنَا أَنَّهُ يَأْتِي عَلَى جَهَنَّمَ حَتَّى يُصْطَفَى أَبُوَابِهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ الْخُلُودُ قُلْتُ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ فَقَالَ هَذِهِ فِي الَّذِينَ يَخْرُجُونَ مِنَ النَّارِ. (هود/۱۰۷، کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۹۸)

نتیجه گیری

از تحلیل مسئله خلود چنین می توان نتیجه گرفت که ابن عربی و ملاصدرا که به حل کردن مسئله خلود مبادرت ورزیده اند، چنان باید و شاید در کار خود توفیق نیافتند. آنها از آنجا که تحت تأثیر مکتب فکری خود بودند، آیات خلود را مطابق با مبانی و اصول فکری خود تفسیر نموده اند. به طوری که ایشان از توجه به نص صریح قرآن که باید به عنوان مهم ترین اصل تفسیری خود توجه می کردند همچون ابن عربی اساساً نادیده گرفته و یا اینکه از آن غفلت کردند. به طوری که ابن عربی و ملاصدرا نتیجه گیری ناقصی از این موضوع داشته اند.

بنابراین برای تحلیل و بررسی صحیح و در نهایت بهترین تفسیر باید مسئله خلود با توجه به آیات و روایات صحیح صادره از ائمه معصوم علیهم السلام تمسک جست. زیرا چنان که پیشتر ذکر شد مکتب های فکری دچار نارسایی هایی در روشن شدن هر چه بهتر مسئله خلود هستند. پایان سخن اینکه خلود از دیدگاه قرآن و روایت ما را به قائل شدن خلود برخی از انسانها متوجه می سازد.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

۱. ابراهیمی، حسن، «بررسی تأویلات ابن عربی درباره آیات خلود و جاودانگی عذاب در قرآن»، مطالعات عرفانی (مجله علمی پژوهشی) دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، شماره دهم، پاییز و زمستان ۸۸، صفحات ۵ - ۲۶.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید**؛ محمد ابوالفضل ابراهیم، اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**؛ علی اکبر غفاری، اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن عربی، محی الدین، **الفتوحات المکیه**، تحقیق و تقدیم عثمان یحیی، تصدیق و مراجعه ابراهیم مذکور، المجلس الاعلی لرعاية الفنون و الآداب و العلوم الاجتماعیة بالتعاون مع معهد الدراسات العليا فی السوربون، قاهره ۱۳۹۶ق/۱۹۷۷م.
۵. _____، **رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن**، جمع و تألیف محمود محمود الغراب، مطبعة نصر، دمشق ۱۴۱۰ق/۱۹۸۹م.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ قسم الدراسات الإسلامیة موسسة البعثة، اول، قم: موسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
۷. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحة** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۸. حیدری فرد، محمد، فرقانی، محمدکاظم، **«خلود در عذاب از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی»**، جستارهای فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲ش، صفحات ۳۹ تا ۵۹.
۹. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الأربعة**، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۱م.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۳، دار الکتب الاسلامیة، تهران ۱۳۹۷ق.
۱۱. شانظری، جعفر، **«تحلیل عقلی جاودانگی در دوزخ (خلود) از نظر صدر المتألهین و علامه طباطبایی (ره)»**، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۹۹ - ۱۲۲، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی** (ط-الإسلامیة)؛ علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، **الزهد**؛ غلامرضا عرفانیان یزدی، دوم، قم: المطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ق.
۱۴. مطیع، حسین، **«خلود در عذاب (با مروری بر دیدگاه صدر المتألهین)»**، فصلنامه علمی - پژوهشی نوین دینی، سال چهارم، شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۸۷ش، صفحات ۹۵ - ۱۱۶.